

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نورمن سالومون
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۳۰ جنوری ۲۰۲۵

چگونه رسانه‌های امریکائی حقیقت جنگ غزه را پنهان می‌کنند



با وجود پوشش‌های استثنائی از جنگ غزه، مهم‌ترین مسأله – یعنی تجربه زندگی در ترس، قتل‌عام، قطع عضو و آسیب‌های روانی – تقریباً کاملاً نامرئی باقی مانده است.

چند روز پیش از پایان سال ۲۰۲۴، مجله مستقل +۹۷۲ گزارش داد که:

«نیروهای ارتش اسرائیل به محوطه بیمارستان کمال عدوان در بیت‌لاهییا یورش بردند و به محاصره‌ای تقریباً یک‌هفته‌ای بر آخرین بیمارستان فعال در شمال غزه پایان دادند.»

در حالی که آتش در بیمارستان گسترش می‌یافت، کارکنان بیمارستان در بیانیه‌ای اعلام کردند که:

«بخش‌های جراحی، آزمایشگاه، نگهداری و واحدهای اورژانس به‌طور کامل در آتش سوخته‌اند» و بیماران «در هر لحظه در خطر مرگ هستند.»

این مجله توضیح داد: «حمله به تأسیسات پزشکی در بیت‌لاهییا جدیدترین مرحله در کارزار وحشیانه پاکسازی قومی اسرائیل در شمال غزه است که در طی سه ماه گذشته اکثریت عمده فلسطینی‌های ساکن این منطقه را به اجبار آواره کرده است.» روزنامه‌نگاری +۹۷۲، خلاف پوشش غالب رسانه‌های امریکائی از جنگ غزه، به‌طور شفاف وقایع را در لحظه گزارش داده و آن‌ها را در یک زمینه کلی قرار داده است، نه در قالب قطعات پراکنده و اپیزودیک. 972 Magazine+ کار گروهی روزنامه‌نگاران فلسطینی و اسرائیلی است که ارزش‌های بنیادین خود را «تعهد به

انصاف، عدالت و آزادی اطلاعات» توصیف می‌کنند؛ به این معنا که «روزنامه‌نگاری دقیق و منصفانه که به مردم و جوامعی می‌پردازد که برای مقابله با اشغالگری و آپارتاید تلاش می‌کنند.» اما ارزش‌های عملیاتی رسانه‌های اصلی آمریکا بسیار متفاوت بوده است.

برخی جنبه‌های کلیدی از چگونگی روایتگری نهادهای آمریکایی از «جنگ علیه تروریسم» در بیش از دو دهه گذشته از آغاز جنگ غزه در اکتوبر ۲۰۲۳ در رسانه‌ها و سیاست ایالات متحده رایج بودند. برای مثال:

گفتار غالب از صداهائی که دولت آمریکا را به‌خاطر نقش در کشتار غیرنظامیان محکوم می‌کردند، اجتناب کرد. متحد آمریکا معمولاً از مسؤولیت بابت جنایات پیشرفته فناوری از طریق حملات هوایی فرار کرد. مرگ غیرنظامیان در غزه به‌طور معمول غیرعمدی معرفی شد.

ادعاهائی که اسرائیل قصد داشت تلفات غیرنظامی را به حداقل برساند، معمولاً بدون شک و بررسی پذیرفته شد. پوشش رسانه‌ای و خطابه‌های سیاسی از به‌رسمیت شناختن این‌که اقدامات اسرائیل می‌تواند تحت دسته‌بندی‌هایی مانند «قتل‌عام» یا «تروریسم» قرار گیرد، خودداری کردند.

در کل، رسانه‌ها و مقامات آمریکایی این ایده را منتقل کردند که جان اسرائیلی‌ها واقعاً بسیار بیشتر از جان فلسطینی‌ها اهمیت دارد.

رسانه‌های آمریکایی به جنگ غزه توجه زیادی کرده‌اند، اما این که آیا واقعیت انسانی این جنگ را بدرستی منتقل کرده‌اند یا نه، مسأله دیگری است. باور یا تصور ناخودآگاه که رسانه‌ها واقعیت‌های جنگ را منعکس می‌کنند، این واقعیت‌ها را بیشتر در سایه فرو برد و محدودیت‌های ذاتی روزنامه‌نگاری با تعصبات رسانه‌ای تشدید شد.

در پنج ماه اول جنگ، نیویورک تایمز، وال استریت ژورنال و واشنگتن پست واژه «وحشیانه» یا مشابه آن را بسیار بیشتر برای فلسطینی‌ها (۷۷ درصد) نسبت به اسرائیلی‌ها (۲۳ درصد) به‌کار بردند. نتایج یک مطالعه توسط (FAIR) Fairness and Accuracy In Reporting این عدم تعادل را نشان داد: «این تفاوت علی‌رغم این بود که خشونت اسرائیل مسؤول بیش از ۲۰ برابر تلفات جانی بیشتر بود.» مقالات خبری و تحلیلی نیز همین خط مشی را دنبال کردند؛ «واژه 'وحشیانه' بیشتر برای توصیف فلسطینی‌ها نسبت به اسرائیلی‌ها به‌کار رفت.»

با وجود پوشش‌های استثنائی گه‌گاه، مهم‌ترین مسأله جنگ غزه - یعنی تجربه زندگی تحت ترس، کشتار، قطع عضو و آسیب روحی - تقریباً کاملاً نامرئی باقی ماند. بتدریج، گزارش‌های سطحی که به مخاطب آمریکایی می‌رسید، تکراری و عادی به‌نظر رسید. با افزایش تعداد کشته‌ها و گذشت ماه‌ها، جنگ غزه بتدریج جایگاه خود را به‌عنوان یک موضوع خبری از دست داد و اکثر برنامه‌های بحث محور بندرت به آن پرداختند.

همان‌طور که در مورد کشتار از طریق بمباران، اتحاد اسرائیل و آمریکا قحطی، تشنگی و بیماری‌های مرگبار را به‌عنوان یک مسأله روابط عمومی تلقی کرد. در این مسیر، بیانیه‌های رسمی - و سیاست‌هایی که سعی در توجیه آن داشتند - عمیقاً بر این فرض نانوشته استوار بود که برخی زندگی‌ها واقعاً اهمیت دارند و برخی دیگر نه.

رویکرد تبلیغاتی از ۸ اکتوبر ۲۰۲۳ پیش‌بینی می‌شد، زمانی که اسرائیل تحت شوک از جنایات حماس در روز قبل بود. «این ۱۱ سپتمبر اسرائیل است»، سفیر اسرائیل در سازمان ملل متحد به خبرنگاران در نیویورک گفت و تکرار کرد:

«این ۱۱ سپتمبر اسرائیل است.» در همین حال، در مصاحبه‌ای با PBS News Weekend، سفیر اسرائیل در آمریکا اظهار داشت: «این، همان‌طور که کسی گفت، ۱۱ سپتمبر ما است.»

آنچه در اعلام «۱۱ سپتمبر اسرائیل» شوم بود، اتفاقات بعد از آن بود. تحت پوشش قربانی بودن، ایالات متحده از این تراژیدی وحشتناک به‌عنوان بهانه‌ای برای کشتار، دفاع از خود و البته «جنگ علیه تروریسم» استفاده کرد.

در حالی که اسرائیل جنگ علیه غزه را ادامه داد، توضیحات اغلب تکرار دلایل دولت امریکا برای «جنگ علیه تروریسم» پس از ۱۱ سپتمبر بود: توجیه جنایات آینده علیه بشریت در پرتو برخی حوادث گذشته. این بازتاب در سال ۲۰۰۱ نیز محسوس بود، زمانی که دونالد رامسفلد، رهبر وقت پنتاگون، ادعا کرد که «مسئولیت هر قربانی این جنگ، چه افغان‌های بی‌گناه و چه امریکائی‌های بی‌گناه، بر عهده القاعده و طالبان است.» پس از پنج هفته کشتار مردم فلسطین، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، گفت: «هرگونه تلفات غیرنظامی یک تراژیدی است» و بلافاصله افزود: «مقصر باید مستقیماً حماس باشد.»

مجوزهای کشتار به‌خودی‌خود توجیه می‌شدند و تاریخ انقضائی نداشتند.

منبع:

<https://original.antiwar.com/solomon/2025/01/21/how-us-media-hide-truths-about-the-gaza-war/>

این مقاله اقتباسی از بخش پایانی نسخه جیبی آخرین کتاب نورمن سالومون، جنگی که نامرئی شد: چگونه امریکا هزینه انسانی ماشین نظامی خود را پنهان می‌کند (انتشارات نیو پرس) است

۲۸ جنوری ۲۰۲۵